



nourizadeh@hotmail.com

www.nourizadeh.com

هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست ...

سه شنبه ۱۸ تا جمعه ۲۱ اکتبر

پیشدرآمد: تردیدی ندارم که آقای «بازوفت» پدر «فرهاد» برادر نوجوانم که به امر تکریتی خونریز و با حضور پسرش عدی اعدام شد، در لحظه‌ای که صدام حسین را به دادگاه ویژه بغداد آوردند و در قفس متهمان نشاندهند، آرزو می‌کرد ایکاش نور دیده‌اش یک لحظه از دل گور غریبش در گورستان «های گیت» شمال لندن بیرون می‌آمد و این منظره را به چشم می‌دید. همین حال را میلیونها پدر و مادر و همسر و فرزند، قربانیان رژیم جنایتکار بعث، در عراق و ایران و کویت داشته‌اند. در حلبچه جوی اشک و خشم به هم پیوسته بود و در خانه سردار داود کریمی در تهران همسر و فرزندان با مشاهده صدام حسین در آن حال ذلیل و مفلوک آرزو می‌کردند نیمه دیگر صدام را که در تهران سردار زخمین شیمیائی شده را فقط به این دلیل که مقلد آقای منتظری بود به زندان انداخت و شکنجه کرد و بر تاولهای تنش شلاق زد، در آینده‌ای نزدیک در قفسی همانند قفس صدام تماشا کنند.

تکریتی خونریز که آنقدر غیرت و شهامت نداشت که به جای خزیدن در سوراخ موش و پذیرش ذلت و حقارت در برابر سربازان آمریکائی که شپشهای سرش را می‌جستند، گلوله‌ای در مغز بیمار خود خالی کند و به اندازه دو فرزند جنایتکارش از خود اقتدار و شجاعت نشان دهد، حالا در دادگاه با دیدن دوربینهای تلویزیون و رئیس دادگاهی که با احترام و انسانیت با او و دیگر متهمان برخورد می‌کرد، شجاعتش گل کرده بود و ادعا داشت رئیس جمهوری عراق است و مشروعیت دادگاه را قبول ندارد و به رئیس دادگاه می‌گفت شما که مرا می‌شناسید، شما کی هستید؟ همگی صحنه‌های نخستین جلسه دادگاه صدام حسین و دستیارانش را مشاهده کرده‌اید و من فقط به ذکر نکاتی چند می‌پردازم.

مشروعیت، قضات، وکلای مدافع

دادگاه ویژه‌ای که محاکمه صدام حسین و شماری از مسئولان رژیم بعث در آن محاکمه می‌شوند، بر پایه تصویب نامه‌ای که در زمان تشکیل شورای اداره عراق بعد از سرنگونی رژیم صدام حسین به امضا رسید و سپس در پارلمان موقت به صورت یک طرح قانونی تأیید شد مشروعیت یافته است. قاضی جوان، رزگار محمد امین که بخشی از بازپرسی از صدام حسین و سران رژیمش را عهده‌دار بود و نخستین باری که صدام را در برابر او مشاهده کردیم با چهره‌اش آشنا شدیم یکی از اعضای هیأت پنج نفره قضاتی است که به ریاست «رزگار امین» محاکمه صدام حسین را قضاوت می‌کنند. دادستان و دستیارانش از قضات جوان عراق هستند و حداقل یکی از دستیاران او، در رژیم گذشته به عنوان یک حقوقدان شرافتمند مدتی را در زندان صدام گذرانده است. رئیس دادگاه قاضی رزگار امین در سال ۱۹۵۸ در شهر سلیمانیه در کردستان عراق متولد شده و فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه بغداد در سال ۱۹۸۰ است. قاضی امین که دارای تخصص و مدرک کارشناسی ارشد در حقوق بین الملل است و چندین اثر در زمینه حقوق بشر دارد به همراه دیگر قضات محکمه دوره ویژه‌ای را نیز در بریتانیا زیر نظر قضات و کارشناسان برجسته انگلیسی، گذرانده است. او پس از فارغ التحصیلی مدتی به کار وکالت پرداخت و سپس بازپرس دادگستری شد. چندی بعد به عنوان قاضی به کرکوک و سپس سلیمانیه زادگاهش اعزام شد و بیش از ۱۵ سال ریاست دادگاه عالی جنائی سلیمانیه را عهده‌دار بود. وکلای مدافع صدام حسین و دستیارانش نیز همگی عراقی هستند. متأسفانه بعد از تشکیل نخستین جلسه دادگاه یکی از این وکلا یعنی سعد الجنابی و کیل طارق عزیز معاون نخست وزیر سابق عراق که محاکمه‌اش هنوز آغاز نشده، به دست وابستگان نیروهای بدر مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق، یعنی دار و دسته عبدالعزیز حکیم، نور چشمی نایب امام زمان چهار راه آذربایجان ربوده شد و به وضع فجیعی به قتل رسید. یادآوری می‌کنیم که از ماهها پیش گروهی از جویندگان طلا و دینار و دلار از چهار گوشه جهان با اعلام آمادگی برای دفاع از صدام حسین جلو افتادند که بله، ما آماده‌ایم از مجرم بغداد دفاع کنیم. این گروه پس از اعلام آمادگی دختر قذافی برای شرکت در تیم دفاع و پرداخت هزینه وکلا، روز به روز بزرگتر شد. تا آنجا که رمزی کلارک وزیر دادگستری سابق آمریکا و نخود هر آشی که هم دست خمینی را بوسید و هم بن لادن را مبارز نستوه خواند، نیز پا به میدان گذاشت. منتها دختر صدام حسین «رغد» که در اردن اقامت دارد پس از مدتی که متوجه شد همه به دنبال پول هستند، اعلام کرد فقط وکلای عراقی پدرش را به رسمیت می‌شناسد. دیگر متهمان نیز وکلای عراقی برای خود انتخاب کردند. معروفترین این وکلا خلیل الدلیمی و عصام

فردای دادگاه بار بوده شدن سعد الدجنابی وکیل طارق عزیز و قتل او، بسیاری از شخصیت‌های سنی عراقی و جمعی از شخصیت‌های بین المللی خواستار انتقال جلسات محاکمه صدام حسین به خارج عراق شدند. اما دولت و پارلمان موقت عراق با این مسأله به شدت مخالفت کرده‌اند. پخش جلسه محاکمه صدام تکان شدیدی را در جهان عرب و البته در جمهوری ولایت فقیه، باعث شد. برای رهبران عرب که تا دیروز صدام را در آغوش می گرفتند این محاکمه هشدار بود مبنی بر این که فاصله ریاست و عزت و اقتدار تا فلاکت و ذلت و محاکمه و احتمالا اعدام خیلی کوتاه است. به گمان من رهبر جمهوری اسلامی و ارکان نظامش با مشاهده محاکمه صدام حسین و نگاه به گزارش پنجاه صفحه‌ای دتلف مهلیس قاضی آلمانی در مورد قتل رفیق الحریری (گزارش آن را در همین شماره آورده‌ام)) باید به سرنوشتی بیندیشند که در صورت ادامه عملکرد ضد مردمی و ضد آزادی و ناجوانمردانه خود با مردم ایران و سیاستهای غلط و مخالف مصالح ملی شان در کنار مداخلات همه جانبه در امور دیگر کشورها و حمایت از تروریستهای اسلام ناب محمدی در دو وجه شیعه و سنی آن، در انتظارشان خواهد بود.

صدام را در قفس دیدیم، بشار الاسد را نیز در آستانه قفس می بینیم، پایان اهل ولایت فقیه بی گمان بهتر از فصل ختام بعضی‌های بغداد و دمشق نخواهد بود.

شنبه ۲۲ تا دوشنبه ۲۴ اکتبر

دیدنی که خون ناحق پروانه...

گزارش قاضی آلمانی دتلف مهلیس که از سوی کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل و به موجب تصمیم شورای امنیت مأمور تحقیق در قتل رفیق الحریری نخست وزیر پیشین لبنان و دولتمرد بزرگ خاورمیانه و میلیاردر خودساخته لبنانی شده بود سرانجام به دبیر کل سازمان ملل داده شد و لحظاتی بعد جزء جزء آن از طریق خبرگزاریها و شبکه‌های رادیو تلویزیونی عربی و بین المللی و روزنامه‌های جهان، به اطلاع خاص و عام رسید.

من از ساعت یک بامداد جمعه به وقت لندن تا شش صبح در پای تلویزیونهای فضائی العربیه، الجزیره، ان - بی - سی و المستقبل گزارش و تفسیر و بحثهای پیرامون آن را دنبال کردم. (هموطنانی که علاقمند به اطلاع از جزئیات و شرح و توضیحات گزارش مهلیس هستند می توانند با مراجعه به سایت «تارنما» اینترنتی من، گفتگوها و تحلیلها و نوشته‌های متعددی را که در روزهای جمعه، شنبه، یکشنبه و... در این زمینه داشته‌ام مشاهده نمایند.)

باری با محدودیتی که در این زاویه دارم، مهمترین نکاتی را که در گزارش آمده عنوان می کنم.

الف: قتل حریری براساس یک طرح بسیار پیچیده که طی چند ماه با ارزیابی‌های بسیار و تدارکات وسیع همراه بود با چنان مهارت و زمینه‌سازی انجام گرفته که تحقق آن بدون دخالت و آگاهی رژیم سوریه و باند امنیتی وابسته به امیل لحود امکان پذیر نبوده است.

ب: اندیشه خلاص شدن از شر حریری در اکتبر سال ۲۰۰۴ طی گفتگوهای بین امیل لحود، جمیل السید رئیس استخبارات (اطلاعات نظامی)، ریمون غازار رئیس سازمان امنیت، مصطفی حمدان فرمانده گارد ریاست جمهوری لبنان، مستر ایکس - نبیه بری رئیس پارلمان لبنان - و ژنرال آصف شوکت رئیس استخبارات سوریه و شوهر خواهر بشار اسد، ژنرال غازی کنعان وزیر کشور سوریه که اخیرا خودکشی کرد، رستم غزاله رئیس استخبارات نیروهای سوریه در لبنان و حاکم قبلی لبنان طی پنج سال اقامتش در این کشور، حسن الخلیل رئیس سابق استخبارات سوریه، بهجت سلیمان از مسئولان امنیتی سابق و دوست نزدیک بشارالاسد، ماهر الاسد برادر رئیس جمهوری سوریه... شکل گرفت. در واقع پس از آخرین دیدار حریری از دمشق که طی آن بشار الاسد آمرانه و با تهدید به حریری گفته بود: امیل لحود یعنی من، مخالفت تو با تمدید ریاست جمهوری او یعنی دشمنی با من، اگر به مخالفت ادامه دهی بیروت را بر سر تو و رفیقت ولید جنبلاط خراب خواهم کرد. پیش از این استخبارات سوریه با یرتاب گلوله به ایستگاه تلویزیونی المستقبل رفیق الحریری، و سوء قصد به جان مروان حماده دولتمرد دروژی نزدیک به ولید جنبلاط اخطارهای اولیه را فرستاده بود.

ج: با صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت که خواستار خروج سوریه از لبنان و خلع سلاح گروههای فلسطینی و حزب الله در لبنان شده بود آنهم چند هفته‌ای پس از سفر حریری به آمریکا و فرانسه، آصف شوکت در گفتگو با مصطفی حمدان فرمانده گارد ریاست جمهوری لبنان گفته بود حریری را به جهنم خواهیم فرستاد. و حمدان حریری را نوکر اسرائیل و آمریکا خوانده بود. اوائل اکتبر جمیل السید به دمشق رفته بود و در جلسه‌ای با حضور آصف شوکت، رستم غزاله، غازی کنعان، ماهرالاسد و شماری دیگر از مقامات سوری تصمیم قطعی به حذف حریری گرفته شده بود.

د: برای ایجاد حلقه‌ای کامل جهت اجرای موفقیت آمیز طرح و سپس پرده پوشی کامل در رابطه با نقش سوریه و مافیای امنیتی نظامی امیل لحود رئیس جمهوری لبنان، ستاد ویژه‌ای تشکیل شده بود. مرکز این ستاد در روستای «عنجر» مقر استخبارات ارتش سوریه در لبنان بود و دفتر اصلی رستم غزاله در ستاد عنجر قرار داشت.

در این میان ژنرال علی الحاج رئیس گروه محافظان ویژه رفیق الحریری که پس از اخراجش از جانب نخست وزیر اسبق لبنان، به فرماندهی ژاندارمری منصوب شده بود نیز به عنوان فردی که می باید بعد از جنایت صحنه را بازسازی کند با

العزآوی وکلای صدام حسین هستند.

در نخستین جلسه دادگاه صدام حسین به همراه طه یاسین رمضان مرد دوم رژیم بعثی از نظر اجرائی، برزان ابراهیم تکریتی برادر ناتنی صدام و رئیس اسبق استخبارات و نماینده پیشین عراق در دفتر اروپائی سازمان ملل در ژنو، عواد احمد البندر رئیس دادگاههای انقلاب عراقی که مثل خلخالی و محمدی گیلانی و ریشهری و لاجوردی و موسوی تبریزی حکم اعدام صدها بل هزاران انسان بیگناه را اغلب طی محاکمات صوری چند دقیقه‌ای صادر کرده است، عبدالله روید از مسئولان حزب بعث در منطقه «الدجلیل» علی دایم علی، محمد عزآوی علی، و مزهز روید ایضا از رهبران منطقه‌ای حزب بعث، مورد سؤال رئیس دادگاه قرار گرفتند. آنها در سه ردیف پشت سر هم در قفسی چوبی نشسته بودند. صدام هنگام ورود، به سلام و درود، عواد احمد البندر که کنارش نشسته بود به گرمی پاسخ داد و سپس به سوی طه یاسین رمضان که پشت سرش نشسته بود برگشت و درودی به او فرستاد.

عواد احمد البندر در اعتراض به اینکه پلیس چفیه عگال (سربند) او را از سرش برداشته خواستار آن شد که این نماد عربیت و عشایر بودنش را به او بازگردانند. برزان برادر صدام که در ژنو کت و شلوارهای سیلک می پوشد و هرگز تمایلی به لباس عربی نداشت، نیز خواستار سرپوش عربی اش شد. رئیس دادگاه رز کار امین با سعه صدر حرفهای آنها را شنید و از اقدام پلیس انتقاد کرد و دستور داد سرپوش ها را به متهمان بازگردانند. حدود پانزده دقیقه وقت دادگاه به این ترتیب گرفته شد.

نخستین پرونده اتهامی

جنایات صدام حسین و رژیمش یکی دوتا نیست. کشتار و آواره کردن بیش از یک میلیون کرد (حدافل ۳۸۰ هزار کشته)، قتل هزاران عراقی شیعه و سنی و مسیحی، قتل عام حلبچه با بمباران شیمیائی، تجاوز به ایران و کویت و... به قول خالد قشطینی نویسنده و طنزپرداز بزرگ عراقی جرم عمده صدام کشتن «عراق» است. سرزمینی را که نیم قرن پیش دارای جامعه مدنی و حزب و روزنامه و کانون و اتحادیه بود و زنانش آزادانه در کلیه امور زندگی مشارکت داشتند به هیچستانی تبدیل کرد که امروز آخوندها و شبه آخوندهای شیعه و سنی در آن میداندار شده‌اند و زنان از ترس اسید و چاقو جرأت نمی کنند بی حجاب به خیابانها بیایند و زندگی و هستی مردم به دست چندتا عمامه و شال به سر شیعه و سنی افتاده است.

باری اولین پرونده‌ای را که علیه صدام حسین مطرح کرده‌اند، پرونده جنایت شهرک «الدجلیل» است که در زمینه آن هم مدارک کتبی و سخن شهود زنده و فیلم و نوار مستند وجود دارد و هم دستور صریح ثبت شده صدام حسین برای قتل عام قربانیان حادثه الدجلیل به روی نوار ویدئو وجود دارد و امضای او زیر امضای رئیس دادگاه انقلاب که حکم اعدام ۱۴۸ تن از اهالی الدجلیل را تأیید کرده است نیز جزو اسناد، هیأت دادستانی به دادگاه ارائه شده است. عدنان حسین دوست و همکار عراقی ام در الشرق الاوسط نوشته بود ایکاش صدام را به جرم دیگری محاکمه می کردند مثلاً به جرم کشتن سی تن از اعضای دولت و شورای انقلاب عراق در سال ۱۹۷۹ در آن جلسه تکان دهنده سران حزب بعث که فیلمش موجود و بارها از تلویزیونها پخش شده است. چه در آن صورت کسی نمی گفت حکومت شیعه فقط به جنایات علیه شیعیان توجه دارد. تازه در هر حکومتی به خصوص در منطقه ما اگر کسانی در صدد قتل رهبر برآیند، خیلی طبیعی است که در صورت شکست مرگ و شکنجه و زندان در انتظارشان باشد. در حالی که در جلسه مورد اشاره حزب بعث، صدام حسین در میان بهت حاضران ناگهان شماری از رفقای بعثی اش را صدا می کرد و بعد می گفت اینها خائن هستند بفرید این خائنین را و به زندگی ننگین آنها خاتمه دهید. و بعد هم می نشست و مثلاً با قیافه متأثر اشکش را پاک می کرد.

به هر حال آنچه در الدجلیل در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد در سال ۱۹۸۲ اتفاق افتاد از این قرار بود که موکب صدام حسین در راه رفتن به تکریت زادگاهش مدتی در الدجلیل توقف کرد و با اهالی که به دیدن او هلهله می کردند و شعار می دادند که «بالروح بالدم نفدیک یا صدام» - با جان و خونمان فدای تو می شویم ای صدام - سخن گفت. در زمان انتقال از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در الدجلیل، از میان مزارع و نخلستانهای اطراف جاده، گلوله‌هایی به سوی کاروان اتومبیلهای صدام و همراهانش شلیک شد. سه جوان از هواداران حزب الدعوه دست به این کار زدند و علاوه بر خودشان ۱۴۸ تن از اقوام و هم شهرهایشان بهای این کار را که بسیار خام و نسنجیده بود پرداختند. صدام دستور داد مزارع و نخلستانها و بسیاری از خانه‌های اهالی الدجلیل را بسوزانند و ویران کنند. روز دادگاه صدام در حالی که در زادگاهش قریه عوجه از توابع تکریت عده‌ای تصاویر او را در دست داشتند و زنده باد صدام سر داده بودند، دهها تن از بستگان قربانیان الدجلیل از جمله مادری که صدام سه فرزندش را کشته بود با تصاویر عزیزانشان راه پیمائی کردند و بعضی می گفتند باید دختران صدام را نیز مجازات کرد چون او بچه‌های ما را کشت.

رئیس دادگاه رز کار امین پس از استماع ادعای نامہ دادستان و معرفی متهمان، جلسه بعدی را به ۲۸ نوامبر موکول کرد چون شاهدانی که قرار بود به دادگاه بیایند به علت ترس (ببینید این تکریتی خونخوار چه کرده که هنوز هم با وجود در غل و زنجیر بودن، مردم از او و تروریستهای گروههای به اصطلاح مقاومت وحشت دارند.) در دادگاه حاضر نشده بودند.

دریافت یک میلیون دلار وارد بازی شد.

حریری ژنرال الحاج را مثل فرزندانش دوست داشت و همسر او را که نویسنده بود با حقوق گزاف در روزنامه المستقبل استخدام کرده بود. منتها سال پیش حریری متوجه شد تمام رفت و آمدها و حتی گفتگوهای تلفنی که در اتومبیلش انجام می دهد به گوش سوریها می رسد. ولید جنبلاط نسبت به ارتباط ژنرال الحاج با رستم غزاله به او هشدار داده بود. به همین دلیل حریری در یک صحنه سازی حرفهائی را در تلفن به یکی از مشاورانش گفته بود. و بعد خلاصه این حرفها را نوشته و در پاکتی در جیب گذاشته بود. روز بعد رستم غزاله به او تلفن زده بود که برای امر مهمی باید او را ببیند و زمانی که به دفترش آمده بود زبان به گلایه گشوده بود که ما انتظار نداشتیم شما چنین حرفهائی را در رابطه با ما بزنید و اشاره اش به سخنان حساب شده حریری در اتومبیلش بود. حریری پاکت مورد اشاره را به او داده بود که من شک داشتم جاسوس شما کیست حالا فهمیدم. و زمانی که رستم غزاله پاکت را گشوده بود با این جمله روبرو شده بود که من حالا مطمئنم جاسوس شما علی الحاج است. او از امروز در دستگاه من کاری نخواهد داشت.

باری مطابق نقشه ای که جمیل السید و آصف شوکت و رستم غزاله و مصطفی حمدان طراحان اصلی آن بودند، قرار بر این شد که از گروه اسلامی بنیادگرای موسوم به «احباش» که در بیروت و طرابلس و صیدا فعالیتهای تبلیغی و خیریه و سیاسی می کند و نمایندگان نیز در پارلمان لبنان داشت و گروه جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی - به رهبری احمد جبیریل فرد مورد اعتماد سوریها (او از مزدورانی که با پول مادرش را هم می فروشد به همین دلیل نیز پس از سالها چپ نمائی، او را دیدیم که دست خمینی و پای خامنه ای را بوسید و عواملش در قتل بعضی از مخالفان رژیم ولایت فقیه در خارج دست داشتند) استفاده شود. درست همانگونه که امنیت خانه ولی فقیه پیش از قتل قربانیان قتلهای زنجیره ای، از طریق نشریات وابسته اش مثل کیهان و جمهوری اسلامی و یالتارات و سیاست روز و... مطالب جعلی در رابطه با ارتداد و مفسد بودن و با ضد انقلاب و بیگانگان ارتباط داشتن چهره هائی چون سعیدی سیرجانی و احمد میرعلائی و داریوش فروهر و محمد مختاری و پوینده و... بنویسند تا هم به چهره آنها لطمه بزنند و هم از این مطالب برای گرفتن فتوای قتل آنها از آخوندهای امنیتی مثل اژه ای و خوشبخت و احمد خاتمی و نوری همدانی و... استفاده کنند، در بیروت نیز به تنی چند از نمایندگان مجلس و وزرا مثل ناصر قندیلی و عاصم قانصوه و روزنامه نگاران نوکر سوریه و بعضی از رادیو تلویزیونها مأموریت داده شد تبلیغات گسترده ای را علیه حریری خاصه پس از کناره گیری او از نخست وزیری آغاز کنند. اینکه حریری نوکر آمریکا و فرانسه و اسرائیل است، فاسد است، لبنان را تا خرخره بدهکار کرده و جیبهای خود و خانواده اش را انباشته است.

د: برای ظاهر سازی احتیاج به یک قاتل بود که می بایست ریخت و اطوارش عین وابستگان بن لادن باشد. این کار را شیخ احمد عبدالعال از رهبران گروه احباش به عهده گرفت. او به سراغ جوان متعصبی رفت که از هوادارانش بود و به او مژده داد برای کار مهمی انتخاب شده است. سپس او را به دست یکی از افسران سوری سپرد. گزارش مهلیس یادآوری می شود که این جوان بیچاره به نام احمد ابوعدس را، به سوریه می برند و در آنجا وادارش می کنند تا در حضور آصف شوکت شوهر خواهر بشارالاسد، در برابر دوربین ویدیویی با لباس رزم اعلام کند او عامل قتل حریری بوده چون حریری همدست ایاد علاوی نخست وزیر خائن عراق است و با اسرائیل و آمریکا همدست است و... آصف شوکت پس از ضبط ویدیو، شخصاً احمد ابوعدس را به قتل می رساند و جسدش را در گوشه ای دفن می کنند.

ه: محمود عبدالعال برادر احمد که او نیز از رهبران جنبش «احباش» است فیلم ابوعدس را از جمیل السید دریافت می کند.

و: یک وانت سفید که هزار کیلوگرم مواد منفجره در آن جاسازی شده اواخر ژانویه تقریباً سه هفته پیش از قتل حریری از سوریه به لبنان حمل می شود و توسط جمیل السید در یک گاراژ خصوصی پنهان می شود.

ز: آصف شوکت یک عراقی تروریست را که در سوریه دوره دیده و آماده عملیات انتحاری است به بیروت می فرستد. جمیل السید او را به یکی از دستیارانش می سپارد تا آماده اش کند. به این عراقی می گویند ایاد علاوی قرار است به لبنان بیاید و تو افتخار کشتن او و به بهشت رفتن را خواهی داشت.

ح: از دو هفته قبل از قتل حریری رفت و آمدهای او توسط پنجاه تلفن موبایل که بین عده ای از جمله چند نماینده مجلس و گارد و روزنامه نگار توزیع شده به ستاد عملیات در عنجر و از آنجا به قصر ریاست جمهوری و دفتر جمیل السید گزارش می شده است.

ط: روز حادثه ناصر قندیلی نماینده مجلس خروج حریری از پارلمان را خبر می دهد. و لحظه به لحظه موبک حریری دنبال می شود. وانت سفید با راننده عراقی اش به سوی نقطه موعود می رود و بعد انفجار است و مرگ و...
ی: محمود عبدالعال از تلفنی که قبلاً با رئیس جمهوری لبنان و رستم غزاله و مصطفی حمدان گفتگو کرده بود به غسان بن جد و خبرنگار الجزیره زنگ می زند که نوار ویدیویی حاوی فیلم عامل قتل حریری در بسته ای در فلان نقطه گذاشته شده است. هم او به خبرگزاری رویتر زنگ می زند.

ک: ژنرال علی الحاج مامورانش را به صحنه انفجار می فرستد و آثار جرم را به هم می ریزد و هر چه را که ممکن است ماجرا را به مافیای امنیتی نظامی رژیمهای سوریه و لبنان ربط دهد جمع آوری می کند. و امیل لحدود نیز با جدی انگاشتن اعترافات قاتل قلابی احمد ابوعدس حمله شدیدی به بنیادگرایان اسلامی می کند که باعث قتل حریری عزیز شدند.